

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۷

بررسی ویژگی‌های سبکی کتاب «خواص الحیوان» محمد تقی تبریزی

(ص ۹۴-۷۹)

محمد حسین کرمی^۱، صدیقه جابری (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده

جانورشناسی دانشی است که از روزگاران کهن بدان پرداخته شده و در این زمینه کتابهای بسیاری درباره ساختمان بدن جانوران، بررسی بیماریهای آنها و یافتن راههای درمان آن و همچنین بیان منافع و مضار هر حیوان همراه با بیان افسانه‌هایی درباره جانوران نوشته شده است. یکی از مهمترین آثار درباره علم جانورشناسی کتاب حیات الحیوان اثر دمیری است که در قرن هشتم به زبان عربی نوشته شده است. اهمیت این کتاب آن چنان است که سرمشق نویسندگان بعدی در نوشتن کتابهایی در زمینه حیوانات بوده است. یکی از نخستین کسانی که در ایران کتاب حیات الحیوان دمیری را به فارسی ترجمه و تلخیص نمود «محمد تقی تبریزی» بود که در سال ۱۰۸۰ در عهد شاه عباس دوم میزیست و به فرمان شاه صفوی به این مهم دست زد و نام کتاب خویش را «خواص الحیوان» نهاد.

در این مقاله نخست به بررسی و معرفی چند کتاب در زمینه جانورشناسی میپردازیم سپس عمده‌ترین ویژگی‌های سبکی کتاب خواص الحیوان تبریزی را بررسی مینماییم.

کلمات کلیدی: جانورشناسی، خواص الحیوان، حیات الحیوان، سبک‌شناسی

^۱ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز sedighe.jaberi@gmail.com

مقدمه

در میان آثار بر جای مانده از پیشینیان، آن دسته از متونی که به ادبیات، تاریخ، عرفان، فقه، کلام و انواع علوم و عناوین شناخته شده از این دست اختصاص داشته‌اند، کم و بیش در طبقه‌بندی‌های موضوعی و غیر موضوعی برای خود جایی یافته‌اند و امروزه میتوان در مورد جایگاه آنها با وضوحی نسبی سخن گفت؛ اما غیر از اینها متونی هستند که در گونه‌های شناخته شده امروزی جایگاه تثبیت شده‌ای ندارند و شاید دلیل اصلی آن، آمیخته بودن آنها با علوم مختلفی است که امروزه چندان بر دانشهای هم‌نام خود منطبق نیستند و از نظر علمی پاسخگوی انتظارات دانشمندان نمیباشند. از جمله این متون آن دسته کتابهایی است که به علم جانورشناسی اختصاص دارند. با وجود آنکه ارسطو نخستین کسی بود که جانورشناسی را به صورت یک علم مستقل درآورد و کتابهایی در این زمینه تالیف نمود؛ اما در دوره اسلامی، جانورشناسی در زمره طبیعیات قرار گرفته که وابستگی و استقلال مطالب آن در کتابهای مختلف متفاوت است و آثار دانشمندان دوره اسلامی در این علم، به پای دستاوردهای ایشان در دیگر شاخه‌های علوم چون ریاضیات و نجوم نمیرسد و به همین دلیل است که توجه چندانی به آن نمیشود.

با توجه به شماری حوادث ویرانگر تاریخی و از میان رفتن آثار علمی، در مورد جانورشناسی در ایران باستان اگر هم آثاری بوده است منابع و شواهد چندانی در دست نیست و اطلاعات اندکی هم که موجود است مباحثی کلی است که در متون مقدّس و اساطیری دیده میشود. برای مثال در بندهش گفته شده که ایرانیان گاو را مقدس می‌شمرده‌اند و ماده خلت و نطفه آن را با انسان یکی میدانسته‌اند. (بندهش، فصل ۲، بندهای ۲۱ - ۲۲) و یا در همانجا آمده است که باز سفید برای نابودی مار پرداز خلق شده است. (همان، فصل ۹، بند ۴۶). در حماسه ملی ایرانیان هم آنچه درباره جانوران گفته شده بیشتر درباره استفاده انسان از آنهاست. برپایه روایت شاهنامه، تهمورث نخستین انسانی بود که حیوانات را به خدمت گرفت:

پسر بد مر او را یکی هوشمند	گرانمایه طهمورث دیوبند
بیامد به تخت پدر برنشست	کمر بر میان رسم او را بست...
زپویندگان هر چه بد نیک رو	خورش کردشان سبزه و کاه و جو
رمنده ددان را همه بنگرید	سیه گوش و یوز از میان برگزید
به چاره بیاورش از دشت و کوه	به بند آمدند آنکه بد هم گروه

(شاهنامه جیحونی، جلد ۱، ابیات ۳۲۳-۳۳۴)

نکته در خور توجه در آثار جانورشناسی دانشمندان اسلامی این است که آنها به مطالعه فیزیولوژی جانوران به عنوان موضوع جانورشناسی توجهی نکرده‌اند و این مسئله تقریباً در تمامی آثارشان به چشم می‌آید. نگاه غالب در آثار جانورشناسی ایشان نگاه توصیفی است و مؤلفان به بیان ویژگیهای

ظاهری و امور کلی در باره حیوانات بسنده میکنند. شاید به دلیل همین مسئله است که برخی از محققان دستاوردهای دانشمندان اسلامی در جانورشناسی را با یافته‌های ایشان در دیگر شاخه‌های علوم قابل مقایسه نمیدانند. (جانورشناسی، قلندری، ج ۱۷: ص ۶۳۹۵)

حیات الحیوان

حیات الحیوان دانشنامه‌ای است درباره حیوانات که دمیری در سال ۷۷۳ آنرا به زبان عربی تألیف کرده است و خود نویسنده ذکر میکند که ۵۶۰ کتاب و ۱۹۹ دیوان شعر عربی منبع او برای نوشتن کتابش بوده است. (کشف الظنون، ج ۱: ص ۹۶۶-۶۹۷)

دمیری بعدها خلاصه‌ای از این کتاب را به نام «حاوی الحسان من حیات الحیوان» تألیف کرد که برپایه نظر برخی پژوهشگران این کتاب مطالبی داشته که کتاب کبیر فاقد آن بوده است. (جانورشناسی، قلندری، ج ۱۷: ص ۶۳۹۵)

دمیری در مقدمه کتاب درباره انگیزه‌اش برای تألیف گفته که هیچکس در خواست تألیف کتاب را از او نکرده است و تنها به دلیل اشتباهاتی که در پاره‌ای از درسها درباره حیوانات دیده این کتاب را نوشته تا مهارتش را در کاربرد ضرب‌المثلهایی که در آنها اسم حیوانات آمده است و پیشینیان از این ضرب‌المثلهای نام حیوانات استفاده نمی‌کردند نشان دهد. (الحیوان الکبری، ص ۱۹). وی در این کتاب بیش از همه به گردآوری گفته‌های پیشینیان، از منابع موثق پیش از خود پرداخته است و مصداق این مطلب ارجاعات بسیار به آثار کسانی چون ارسطو، جاحظ، ابن سینا، قزوینی، ابن بختیشوع و ابن زهیر است.

روش دمیری در نوشتن کتاب

حیات الحیوان دانشنامه‌ای است که در آن ۱۰۶۹ حیوان به ترتیب الفبایی معرفی شده و این ترتیب الفبایی از آغاز تا پایان کتاب رعایت شده است. نویسنده هرکدام از حروف الفبا را به صورت باب نامگذاری کرده: باب الالف، باب الباء، باب التاء و ... و در آخر هر بابی اسم حیوانی معروف را با کنیه‌اش درج کرده است؛ مثلاً «ابو جراده» در آخر باب الجیم و «ذورمیح» در آخر باب «را» ذکر شده، ولی همیشه تابع این قاعده نبوده است و ظاهراً برای دسترسی راحتتر خواننده، گاهی برخی اسامی را در دوجا ضبط کرده است. به عنوان مثال «ام عجلان» را یکبار در ابتدای فصل «عین» آورده و دوباره در آخر باب نیز آنرا ذکر کرده است.

گاهی نیز اسم حیوان را ذکر میکند و در همان باب یا باب دیگر نام دیگر آن حیوان و یا نام نر و ماده‌اش را می‌آورد؛ مثلاً در باب ذال، «الذئب» را معرفی میکند و مترادف آن «ذواله» را در همان باب و مترادف دیگرش «اطلس» را در باب الف ذکر میکند یا «الضبع» در باب ضاد و مترادف آن «ذیخ» در باب ذال. بعضی از حیوانات هستند که دارای نامهای فراوانند مثلاً حمامه (کبوتر) ۱۴ نام مختلف دارد: «زعلول» برای جوجه کبوتر، «ساق حر» برای نام قمری، «عکرمه» مؤنث کبوتر، هرکدام از آنها را

در باب مربوط به خود معرفی میکند. دمیری برای معرفی حیوانات به یک روش عمل نکرده است؛ گاهی بعد از ذکر نام حیوان آنرا کاملاً توصیف میکند و اگر داستان یا حدیث و ضرب‌المثلی در مورد حیوان ذکر شده باشد می‌آورد.

معرفی کتاب خواص الحیوان

از کتاب حیات‌الحیوان دمیری، چندین ترجمه فارسی موجود است که برخی از آنها ترجمه کامل متن عربی‌اند و برخی دیگر خلاصه‌ای از این کتاب با برخی افزودگیهای مترجم. ترجمه‌های کامل حیات‌الحیوان به شرح زیر است:

الف. حکیم شاه محمد قزوینی، اثر دمیری را برای سلیم‌خان یکم عثمانی به فارسی برگردانده و ترجمه خود را «حیات‌الانسان» نامیده است.

ب. محمد حسین فرزند احمد شاهی مشهدی، یکی از دانشمندان قرن دهم هجری است که او نیز به ترجمه حیات‌الحیوان همت گماشته است.

ج. ابوالفضل علامی فرزند مبارک، برادر کهتر فیضی، از درباریان اکبر شاه گورکانی و از نویسندگان مشهور قرن دهم نیز این اثر را به فارسی ترجمه کرده است. (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۴: صص ۳۸۳۴-۳۸۳۵)

د. همچنین دستنویسی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است که تاریخ ترجمه آن سال ۱۲۴۹ هجری است و شخصی که بر آن دیباچه نوشته، علی بن محمد هروی است که مترجمانش راملاً عبدالحمید فاجی و علامه ملاً محمد حفید مرحوم ملاسلیم معرفی کرده است. این نسخه با شماره ۳۵۶۵ در کتابخانه مجلس نگهداری میشود. (فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، اعتصامی، ج ۲، ۷۴۴).

گذشته از این چهار ترجمه کامل از حیات‌الحیوان دمیری، ترجمه خلاصه‌واری از این کتاب در دست است که به «خواص‌الحیوان» اشتهار دارد. این کتاب که به همت محمد تقی تبریزی در دوران شاه عباس دوم نوشته شده است. اگرچه در اصل برگرفته از کتاب حیات‌الحیوان دمیری است اما نویسنده گاهی برخی مطالب دیگر نیز از منابع کتبی و شفاهی بدان افزوده به گونه‌ای که اثر او از حالت ترجمه به هیات تالیف درآمده است. برپایه مقدمه کتاب خواص‌الحیوان، مترجم ترجمه کتاب حیات‌الحیوان دمیری رابه امر بزرگی به نام «صدرالدین محمد، میرزا محمد ابراهیم» آغاز کرده و آن را در سال ۱۰۸۰ هجری به پایان رسانیده است. مترجم کتاب که فردی شیعه مذهب است در مقدمه اثر خویش پس از ستایش خداوند و پیامبر اسلام و اولاد بزرگوارشان، درباره انگیزه کار خود مینویسد: «... پس داعی حقیقی ابن خواجه محمد، محمد تقی التبریزی را که از باریافتگان مجلس سامی بودم مأمور ساختند که کتاب مذکور را به ترتیب مزبور ترجمه نمایم و لهذا این بنده حقیر کثیرالتقصیر با قلت بضاعت و عدم استطاعت اطاعة لامره المطاع و اتباعاً لحکمه الواجب الاتباع از

حقه سبحانه و تعالی استعانت طلبیده به ترجمه کتاب مزبور شروع نمودم و آنرا بر بیست و هشت باب به ترتیب حروف تهجی میوب ساختم. در هر باب سه فصل بیان نمودم: فصل اول در اسامی که مفاتیح آنها مفتوح است، فصل ثانی در آنچه اوایل آن مکسور است، فصل ثالث در آنچه مبادی آن مضموم است و این کتاب را به خواص الحیوان نام نهادم» (خواص الحیوان، تبریزی، برگ ۲ الف)

معرفی نسخه‌های خواص الحیوان

تاکنون از کتاب خواص الحیوان نسخه‌های زیر شناخته شده است:

۱- نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ۲۳۱۰ به خط نستعلیق و با کتابت ابن ابی احمد علیقلی التبریزی با تاریخ ۱۰۸۰ که میکروفیلم آن به شماره ۲۸۳۷ در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است. این نسخه دارای ۲۴۵ برگ و در هر صفحه به طور میانگین ۱۴ سطر نوشته است.

در این نسخه سرفصلها و نام حیوانات با رنگ قرمز نوشته شده است و در انجامه آن آمده: « الحمد لله الذی وفقنا علی الاتمام و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین. تمت کتاب بعون الله تعالی و حسن توفیقه بیوم الجمعه ۱۷ شعبان المعظم سنه ۱۰۸۰ بحسب فرموده عالیحضرت طول الله عمره و دولته بمحمد و اهل بیت الطیبین الطاهرین غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه رب العالمین. کتبه الله عبدالمذنب الی الله الغنی ابن ابی احمد علیقلی التبریزی». این نسخه به دلیل اقدم بودن نسبت به سایر نسخ و در نتیجه قوت دخل و تصرفات؛ نسخه اساس قرار گرفت.

۲- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۳۳۵ به خط نستعلیق و با تاریخ ۱۲۷۳ که میکروفیلم آن به شماره ۶۶۴۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. این نسخه دارای ۱۵۸ برگ و در هر صفحه به طور میانگین ۱۷ سطر نوشته است.

در این نسخه نیز سرفصلها و نام حیوانات با رنگ قرمز نوشته شده است و مطالبی که در متن جا افتاده است و همچنین توضیحات اضافی در حاشیه‌های سمت راست و چپ نوشته شده است و از صفحه ۲۹۰ تا ۳۰۸ قسمتهایی از متن پاک شده است و خوانا نیست که این موارد با توجه به سه نسخه دیگر تصحیح شد و در پاورقی ذکر شد. در انجامه آن آمده: « بتاریخ ۱۲۷۳..... در شب چهارشنبه که شب پنجم ماه شعبان المعظم باشد از شب نوشته شده است. سنه ۱۲۷۳». این نسخه در بسیاری ضابطها با نسخه (اساس) خویشاوندی نزدیک دارد. در متن از این نسخه با نشانه اختصاری (ب) یاد میشود.

۳- نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی با شماره ثبت ۶۲۴۰۹ و شماره قفسه ۵۰۲ در تاریخ ۱۲۲۰ نوشته شده است. در انجامه این نسخه آمده: « بتاریخ شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۲۰ تمت اتمام یافت. این کتاب از روی نسخه بسیار مغلوطنی مستعجلا قلمی شد». خط نسخه نستعلیق خواناست و علاوه بر سرفصلها و نام حیوانات، آیه‌های قرآنی و احادیث و ضرب‌المثل‌های عربی نیز با خط قرمز نوشته شده است و صفحه‌های نسخه از سمت راست و چپ شماره‌گذاری شده‌اند که صفحه‌های

سمت راست از شماره‌ی ۱ شروع شده است و با شماره‌ی ۱۹۷ به پایان رسیده و صفحه‌های سمت چپ با شماره‌ی ۱۲ شروع و با شماره‌ی ۲۰۷ خاتمه یافته است. از این نسخه با نشان اختصاری (ج) یاد می‌کنیم.

۴- نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی با شماره ثبت ۲۵۹۹ و شماره قفسه ۷۱۰ در تاریخ ۱۰۹۶ توسط ابن حاجی علی عسکر تبریزی نوشته شده است. این نسخه ۱۹۸ برگ دارد و در هر صفحه ۱۶ سطر با خط نستعلیق نوشته شده است که همانند سه نسخه قبل در این نسخه نیز نام حیوانات با رنگ قرمز آمده اما سر فصلها با رنگ متمایل به قهوه‌ای نوشته شده. در انجامه این نسخه آمده « الحمدلله الذی وفّقنا علی الاتمام و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین تمّ علی ید ابن حاجی علی عسکر تبریزی غفرالله ذنوبهما و ستر عیوبهما محمد و آله و کان فراغ ذلک سنه ۱۰۹۶». این نسخه که با نشان اختصاری (د) از آن یاد میشود در بسیاری از موارد با نسخه‌ی (ج) قرابت و نزدیکی دارد.

ویژگیهای سبکی کتاب *خواص الحیوان*

در بررسی ویژگی‌های سبکی هر اثر باید به موارد کاربرد فراوان یک ویژگی توجه داشت آن چنانکه یکی از پژوهشگران مینویسد: «یکی از شاخصه‌های مهم سبک، مسأله تکرار و تداوم رفتارهای زبانی خاص در یک پیکره متنی است... لازمه شکل‌گیری سبک وجود بسامد بالای مشخصه‌های سبک‌ساز است و نه کاربرد اندک و رخدادهای اتفاقی در متن» (سبک‌شناسی، محمود فتوحی: ص ۴۸) کتاب *خواص الحیوان* نیز از جمله آثاری است که دارای ویژگی‌های سبکی بارزی است. اگرچه تعداد شواهد هر مختصه سبکی در متن این کتاب فراوان است اما برای جلوگیری از تطویل کلام به شواهدی کوتاه اشاره میکنیم. مختصات سبکی کتاب *خواص الحیوان* شامل مختصات فکری، ادبی و زبانی این اثر میشود که عبارتند از:

الف - ویژگیهای فکری

۱- ورود اندیشه‌های اسلامی

از آنجا که مترجم کتاب *خواص الحیوان* فردی شیعه مذهب بوده است و از سوی دیگر مذهب شیعه در دوران صفویه مذهب رسمی کشور اعلام میشود، بنابراین بسیاری از باورهای اسلامی و نیز شماری از سخنان امامان دین وارد این کتاب شده است. بیشترین این روایات و احادیث از پیامبر اسلام (ص)، حضرت علی (ع) و امام جعفر صادق (ع) است. مضمون بیشتر این احادیث در باره منافع و مضار جانوران است که با موضوع کتاب ارتباط دارد. برای مثال: «روایت است از ابن مسعود که پیغمبر صلوات الله علیه گفت که هرکه مار را بکشد چنان است که مشرکی را کشته و هرکه ماری را گذارد به جهت خوف از عاقبت او پس او از ما نیست» (۴۹ آ)

«از علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام منقول است که آن حضرت فرمودند که به جهت شفای مردم هیچ چیز بهتر

از روغن گاو نیست.» (۸۳ب) «در حدیث آمده که مردی کیک را دشنام میداد حضرت مقدّس نبوی شنیده

فرمود که دشنام مدهید که او کک بیدارکننده است به جهت نماز صبح.» (۲۴۱ب)

۲- اعتقاد به باورهای عامیانه

یکی از مهمترین ویژگیهای فکری کتاب خواص الحیوان، ورود افکار و باورهای خرافی و اعتقادات عوام در متن کتاب است که خود بیانگر دیدگاههای اجتماعی، رویکردهای فرهنگی و گاهی مذهبی گذشتگان به ویژه پس از حمله مغول است. بررسی این مضامین از نظر پژوهشهای فولکلور و همچنین مردم شناسی حایز اهمیت است. برخی از این دیدگاهها خرافی چنین است: «هرکس دندان شیر با خود داشته باشد حيله هیچ محیلی در او کار نکند» (۱۶الف) «دیدن بزقهای بسیار دلیل عذاب است چه بر قوم موسی (ع) ضفادع بارید.» (۳۱الف) «مگس نادانترین مخلوقات است که خود را در هلاکت اندازد.» (۱۶۴الف)

گاهی نویسندگان نادرستی این عقاید را میدانند و متذکر میشوند که این سخنان اعتباری ندارد: «زعم اهل جاهلیت آن است که جن از وی (= خرگوش) گریزان است.» (۵۹ب) «بعضی از جاهلان به علم طب را اعتقاد آنکه مداومت بر اکل گوشت او (= دجاجه) مورث بواسیر و نقرس است و این باطل است.» (۶۶الف) «و از اکاذیب عرب است که چون انسان بمیرد یا کشته شود روح از بدن او مفارقت کند، به صورت بوم بر قبر او نوحه کند از جهت مفارقت جسم و تنهایی او.» (۳۴الف)

۳- گزارش خواب جانوران دیدن

از دیگر ویژگیهای مهم فکری کتاب خواص الحیوان این است که نویسنده پس از آنکه به معرفی جانوران و خواص و مضار آنها میپردازد، در پایان هر مدخل، بخشی را در بیان تعبیر خواب آن جانوران دیدن میآورد. در بخش گزارش خواب، گاهی نویسنده از سخنان بزرگان و حکیمانی مانند ابن سیرین و یا جاماسب حکیم یاد میکند: «ابن سیرین گفته که اکل لحم او (= ابل) در خواب ضرر ندارد» (۸۳ب) «جاماسب گوید هرگاه کسی در خواب ببیند که کیک او را گزید مال یابد و الله اعلم» (۲۱۸الف) گاهی نیز بدون آنکه از خوابگزاری نام ببرد به تعبیر خواب میپردازد که احتمال دارد از کتابهایی مانند خوابنامهها و یا شاید برخی باورهای متداول مردم عصر خویش بهره برده است.

نکته در خور توجه در این بخش این است که نویسنده در گزارش دیدن خواب جانورانی که وحشی و درنده و یا آن دسته جانورانی که مودی هستند به نیکی یاد نمیکند و همیشه تعبیر خواب دیدن این جانوران با بلا و مصیبت همراه میدانند. مانند: «دیدن خرس در خواب دلیل شرّ و نکبت و فتنه و مکر و خدعه» (۱۱۱ب) «دیدن سرگین گردان در خواب دلیل موت زن صاحب نفاس است» (۱۴۸الف) «دیدن رتیل در خواب دلیل زن مودیّه مفسده است» (۲۰۱الف) «دیدن سنگ پشت در خواب زن مزینّه معطره که خود را بر مردان عرض کند» (۲۳۶ب) «دیدن ملخ در خواب عذاب بود، دیدن بچه او دلیل

مردمان بدخلق» (۳۱۱ب) «دیدن گرگ در خواب دلیل کذب و حيله و عداوت و دزد ستمکار و دیدن بچه او دلیل فرزند دزد.» (۲۸۵الف) با اینحال از جانوران سودرسان به نیکی یاد میکند: «دیدن اسب در خواب زینت است. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «زُيِّنَ لِلنَّاسِ إِلَى قَوْلِهِ وَ حَيْلِ الْمُسْؤَمَةِ» (۲۱ب) «دیدن چرخ در خواب دلیل عزت و جاه و تسلط بر اعدای و رسیدن به آرزوها و یافتن ازدواج» (۳۸الف) گاهی علاوه بر جانوران از برخی آفریده‌های بیجان نیز یاد میکند و به تعبیر آن می‌پردازد: «دیدن دریا در خواب که از عبور کنند دلیل محبوس‌ی بود در مکانی که دیگر خلاص نشود و نیز دریا را به مرد عالم و کریم تعبیر کنند. اگر بیند که از آب دریا بخورد پادشاهی بدو مال دهد...» (۷۵ب)

۴- ورود برخی مضامین اساطیری

در کتاب خواص‌الحيوان گذشته از جانورانی که در عالم واقع وجود دارند از شماری موجودات اساطیری نیز یاد میشود که در خور توجه است. گاهی نویسنده متذکر میشود که نام این جانوران را از کتاب «عجایب‌المخلوقات» گرفته است: «صاحب عجایب‌المخلوقات آورده که شیخ‌الیهود حیوانیست که رویش مثل روی آدمیست، ریش سفیدی دارد بدن وی چون بدن بزق مویش چون موی گاو، در جثه گوساله بود. شب شنبه از دریا بیرون آید تا غروب شب یکشنبه باشد. به طریق بزق میدود و به کشتی نتواند رسید.» (۱۹۶ب) «صاحب عجایب‌المخلوقات آورده که از برای منصور سامانی روباهی هدیه آورده بودند که او را دو بال از پر بود. چون کسی نزد او رفتی بالهای خود بگسترده و هرگاه دور شدی به پهلوی خود منضم میساخت و دیگری گفته که در زمان سابق روباهها می‌پیدند.» (۱۰۴ب)

احتمال دارد توصیفاتى که نویسنده از برخی جانوران اساطیری کرده است برگرفته از برخی کتابهای بحرییمان قدیم و یا برخی کتابهای داستانی مانند داستانهای سندباد بحری و یا سفرهای پهلوانانی مانند گرشاسب، داراب و یا اسکندر باشد. «بنات‌الزومماهیان چندان در بحر روم شبیه به زنان مودار، رنگهای گندمگون و پستانهای بزرگ و فروج عظام دارند، ایشان را کلامی باشد که کس نفهمد و خنده و قهقهه کند و باشد که بعضی از مردم ایشان را بگیرند و مباشرت نمایند پس خلاص گشته به دریا گریزند.» (۲۶الف) «آدم آبی بعینه مثل آدم خاکیست الا آنکه او را دم هست در دریای شام در بعض اوقات میبینند که او را ریش سفیدست و او را شیخ‌البحر نامند.» (۱۳الف) «دلهاف جانوریست در جزایر بحر بر هیأت انسانی بر اشتر مرغی سوار است گوشت مردم میخورد که آنها را از دریا به ساحل اندازد. گاه متعرض اهل کشتی گشته با ایشان محاربه نماید. چنان فریاد کند که همه آنها بر روی درافتند ایشان را بگیرد و بخورد.» (۶۸ب)

۵- ورود داستانهای سامی

در متن کتاب خواص الحیوان بارها به داستانهای پیامبران گذشته اشاره است. به نظر میرسد علاوه برداستانهای پیامبران گذشته که در قرآن کریم آمده نویسنده به برخی کتابهای مقدس نیز توجه داشته است:

«مار بزرگ و این در غیر مصر نباشد چه در آنجا خدای تعالی عصای موسی علیه السلام را ازدها گردانید» (۲۳۹ب) «چون نمرود جبّار را خلیل الرحمن، ابراهیم علی نبینا و علیه السلام، حجت گرفت به توحید باری تعالی خواند، نمرود مردود از حماقتی که داشت اگر آنچه میگوی حق است نمیرسم تا آنکه به آسمان روم و بدانم آنچه در آسمان است. پس چهار بچه‌ی کرکس بپرورد تا بزرگ شدند و تابوتی ساخت او را دو در گذاشت...» (۸۴الف) «دیدن کبوتر در خواب دلیل مردِ عابدِ مجتهد در طاعت الهی، چه او به نار نمرود آب ریخت تا ابراهیم (ع) را اذیت نرسد». (۱۶۴الف) «عفریتدیو سرکش قوی و جئی که به سلیمان علیه السلام گفت من تخت بلقیس بیاورم پیش از آنکه از جای خود برخیزی و آن حضرت تا محل ظهر بنشستی. نام او ذکوان یا صخر بود.» (۲۰۱ب) «حق سبحانه تعالی ملکی فرستد تا او بردارد و به میان یاجوج و ماجوج اندازد» (۱۲۶الف)

۶- اعتقاد به طلسم و مضامین سحرآمیز

از دیگر مضامین عامیانه در کتاب خواص الحیوان اعتقاد به طلسم برای دفع گزند جانوران موذی است. نویسنده گاهی به نقل از دیگران، اورادی رمزآمیز میاورد که اغلب بی معناست و برای دورداشتن گزند و آسیب برخی جانوران موثر است: «از فواید مجربه آنکه به جهت کسی که سگ دیوانه او را گزیده باشد این طلسم را بر ظرف نو نویسند و به روغن زیت چرب کنند، بنوشند این است: « ا ب ح لا ر ل ل ا ع اله ق ا ا ا » (۴۸ب) «عجیبی مجربّه آنکه این طلسم را بر چهارپاره کاغذ نوشته هریک در یک ضلع خانه گذارند، حیّات از آن خانه بیرون رود و هیچ ماری داخل آن خانه نشود. طلسم این است:

یا حافظ یا حفیظ

۱۷۱۱۲۱۱ ر ۱۱۱۸۸ ح ۹۹۹۱۱۱۸۱۱۱۸۸

۹۱۸۹۱۹۹ ر ادم ۷ ح ۱۱ ح ط ه ط «

«از اهل مغرب به جهت افسون پشه و غیره گفته که بنویسید در ارکان خانه گذارید سوای در خانه: «فذكرهم موسی ففضی علیه قال هذا من عمل الشيطان انه عدو مضلّ مُبین عطشیش عطشیش متّ ائها البرّ عطشیش عطشیش ارحل ائها التّبق بغضب الله علیه كما غضب علی رجل القاضی و وکیله»، ملخ و پشه گریزان شود.» (۷۴الف)

گاهی نیز خواندن اسم اعظم را برای دفع آزار جانوران سفارش میکنند: «در نصایح ابومظفر مسطور است که ابودردا را کنیزی بود، روزی از وی پرسید که یا امیرتو از چه جنسی؟ گفت: من مثل تو از جنس بشرم. گفت: چون از جنس بشر باشی و حال آنکه من تو را چهل مرتبه زهر دادم ضرر آن به تو

نرسید؟ ابودردا گفت: ندانسته‌ای که کسی که به ذکر خداوند تبارک و تعالی مداومت نماید هیچ چیز او را مضرت نرساند و من به اسم اعظم الهی مداومت مینمایم». پرسید آن کدام است؟ گفت این است: «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ». (۱۵۳ب) در برخی موارد از برخی اوراد نام میبرد که خاصیت درمانی دارند: «از جهت درد دندان این حروف را بر دیوار بنویسد ح ب ر صی ل ا ر ع م و بفرماید آن شخص را که دندان او درد میکند تا انگشت خود بر بالای دندانی که درد میکند بگذارد» (۶۴ب) «پس هرگاه زنی را وضع حمل مشکل شود این دعا را بنویس و تعویذ وی ساز که به تسهیل بار حمل بر زمین گذارد. دعا اینست: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. أَلَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَعَلَّ يَهْلِك إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ.» (۱۵۳ب)

۷- ورود برخی مضامین فقهی

از آنجا که نویسنده کتاب مسلمان بوده است و در فقه اسلامی نیز خوردن همه جانوران مجاز نیست بنابراین در کتاب خواص الحیوان بارهابه حلال و حرام بودن گوشت برخی جانوران سفارش شده است: «ا نیس اکلش حلال است.» (۵ب) «جن به استخوان حرام و به سرگین مکروه.» (۵۳ب) «کک اکلش حرام و قتلش بر محل و محرم مباح.» (۱۹۴الف) «بدان که اکل هوام و بیع آنها حرام.» (۳۰۱الف)

۸- ورود مضامین طب سنتی

گذشته از دستورهای فقهی که در بند پیش بدان اشاره شد گاهی در کتاب خواص الحیوان به خواصی دارویی برخی جانوران اشاره میشود: «اگر زنی آبستن، پنیرمایه انفحه نر خرگوش را بیاشامد پسر زاید و اگر انفحه ماده اش را بنوشد دختر زاید و اگر خون او را بیاشامد هرگز بار نگیرد و اگر مغز سر او را بخورد و با شوهر مباشرت کند بار گیرد و اگر مغز سر او را بریان کرده با فلفل بخورد ارتعاش را از بین ببرد.» (۵۳الف) «تناول شیر زنان با عسل، سنگ مئانه را بشکند و بیرون آرد.» (۸۸الف) «دیگر از خواص ملخ آنکه هرگاه او را ساییده در سوراخ ذکر ریزند عسربول را برطرف کند.» (۲۹۸الف) «انسان: مردم. از جمله خواص مجزبه یکی آنست که هرگاه تصویر صورت کودک نیکوروی کشیده در وقت مباشرت مقابل روی زن نهند به حیثیتی که نظر وی بران صورت بود فرزندی که از آن نطفه صورت بندد شبیه آن صورت بود و در اکثر اعضا متشابه بود به آن صورت.» (۱۹ب) «شش چیز فراموشی آرد: نیم‌خورده موش و انداختن شپش زنده، در آب ایستاده بول کردن، بریدن ناخن به دندان، سقز خاییدن و سیب‌ترش خوردن.» (۱۰۱الف)

ب. ویژگی‌های ادبی

اگرچه خواص الحیوان کتابی علمی است و در آن به ویژگیهای جانوران و خواص و مضار آنان اشاره می‌شود با اینحال در متن این کتاب شماری از ویژگیهای ادبی دیده میشود که عمده‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱- تلمیح به آیات و احادیث

تلمیحات دینی و مذهبی در کتاب خواص الحیوان شامل دو دسته‌اند: نخست؛ تلمیح به آیات قرآن کریم: «کما قال الله تعالى: ما دلهم على موته الا دابة تأكل منسأته». (۱۳۹ ب) «افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت». (۶۳ ب) «و الانعام خلقها لكم فيها دفاً و منافع و منها تأكلون». (۲۱۴ الف) دوم؛ تلمیح به احادیث پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه (ع): «قال النبي صلى الله عليه و آله و سلم: انى

تركت فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي اهل بيته ان تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى». (۶۸ الف) ابن عباس از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرموده که هرگاه در وادی باشی که از شیر بترسی بگو: «أعوذُ بِرَبِّ الدَّانِيَا وَ بِالْحَبِّ مِنَ شَرِّ الْأَسَدِ». (۱۵ ب)

۲- استشهاد به اشعار گویندگان گذشته

یکی از ویژگیهای مهم ادبی کتاب خواص الحیوان آوردن اشعاری از گویندگان تازی و پارسی است. با نگاهی به اشعار عربی کتاب درمی‌یابیم نویسنده به زبان عربی و شعر تازی آشنایی کامل داشته است. در وصف شیر آمده است: «ابونصر فراهی نُه اسم در رشتۀ نظم کشیده در یک بیت آورده چنان که گفته:

غضنفر و اسد و لیث و حارث و دلهاث هزبر و قسوره و حیدرست و ضیغم شیر» (۱۳ ب)

و در جای دیگری نیز دو بیت زیر را به عنوان شاهی برای گفتار خویش آورده است:

یا راقداً و الجلیل یخفطه
کیف تنام العیون من ملک
من کُل سوء یکون فی الظلم
تأتیك منهُ فوايـد
النعم (۱۲۸ ب)

درباره اشعار فارسی کتاب خواص الحیوان باید یادآور شویم نویسنده بیشتر اشعار گلستان سعدی را بکار برده است:

زنان باردار ای مرد هشیار
اگر وقت ولادت مزار زاینـد
از آن بهتر به نزدیک خردمـند
که فرزندان ناهمـوار زاینـند
(۲۶۵ الف)

گر به مسکین اگر پر داشتی
تخم گنجشک از زمین برداشتی (۶۸ الف)
مسکین خر اگر چه بی تمیز است
چون بار همیکشد عزیز است (۷۴ ب)
همای بر سر مرغان ازان شـرف دارد
که استخوان خورد و جانور نیازارد (۳۱۹ الف)

۳- ضرب‌المثل‌های عربی و فارسی

پیشتر به آشنایی نویسنده کتاب به ادب عربی و فارسی اشاره نمودیم. یکی از نشانه‌های تبخّر نویسنده به ادبیات تازی، بکارگرفتن آن دسته امثال عربی است که درباره جانوران است. برای مثال: «عربان در امثال خود گویند: فُلَانٌ أَكَلَّ مِنْ أَرْضِهِ. یعنی فلان کس خورنده‌تر از ارضه است.» (الف ۱۶) «عربان در امثال کلمات خود گویند که: الحمار شنار والعیبر عار. یعنی سواری خر نر، عیب است و سواری خر ماده، عار.» (ب ۵۴) «عربان در امثال خود گویند: فُلَانٌ أَسْمَعُ وَ أَسَدُ مِنْ حُلْدٍ یعنی فلان کس شنواتر و فسادکننده‌تر از خلد موش کور است.» (ب ۱۵۲) «در مثل گویند: فُلَانٌ أَسْمَعُ مِنْ دُلْدُلٍ یعنی فلان کس از دلدل شنواتر است.» (ب ۷۷) «عربان در ضلالت بدو مثل زندگوبیند: فُلَانٌ أَصَلَّ مِنْ صَبَّ یعنی فلان کس گمراه‌تر از سوسمار است.» (الف ۱۱۴)

گاهی نیز از ضرب‌المثل‌های ادبیات فارسی استفاده می‌کند:

با سیه‌دل چه سود گفتن وعظ	نرود میخ آهنین بر سنگ
(الف ۳۶)	
علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد	دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست
(الف ۳۰۸)	
قضا چون ز گردون فروهشت پر	همه زیرکان کور گردند و کر
(الف ۱۲۸)	

۴- اشاره به برخی حکایات و داستانهای متون گذشته:

در متن کتاب خواص‌الحيوان سه حکایت آمده است که در آثار پیشینیان دیده میشود: نخست؛ «کعب احبار گوید که در کتب بعضی انبیا دیدم که هامه (= جغد) نزد سلیمان علیه السلام آمد سلام کرد. آن حضرت بعد از جواب سلام پرسید که یا هامه، چون است که زراعت نخوری؟ گفت: جهت آنکه آدمصفی (ع) را به جهت گندم از بهشت بیرون کردند. پرسید که چرا آب نیاشامی؟ گفت: زیرا که قوم نوحجهت آب غرق شدند. پرسید که چرا در معموره نباشی؟ گفت: در خرابه ساکنم که او میراث خدا استو من در میراث خدا ساکنم. پرسید چه میگوی در وقتی که در خرابه مینشینی؟ گفت: میگویم کجایند آن کسانی که در دنیا تنعم میکردند. پرسید چون بر خانه‌ها گذر کنی چگویی؟ گفت: میگویم کجایند آن کسانی که به راحت میخوابند و از شداید عقب‌آغلند. پرسید چرا روز بیرون نیایی؟ گفت: از ستم بنی آدم. پرسید که در آواز خود چگویی؟ گفت میگویم توشه آخرت بردارید ای غافلان و مهیای سفر عقبی باشید. «سبحان الله خالق التور». سلیمان علیه السلام فرمود که در میان مرغان نصیحت کننده‌تر از بوم نبوده.» این حکایت با اندکی تغییر در کتاب عجایب المخلوقات آمده است. (ر.ک. عجایب‌المخلوقات، محمد طوسی، ص: ۵۳۸-۵۳۷)

دوم؛ «... شیری و روباهی و گرگی به مصاحبت به صحرا به جهت صید سیر مینمودند تا حماری و آهوایی و خرگوشی صید نمودند. شیر گرگ را گفت که صیدها رامیانه ما قسمت نمای. گرگ گفت: این قسمت روشن است که خر حصه تست و خرگوش حصه پدرم معاویه یعنی روباه و آهو از آن من. شیر را این قسمت موافق مزاج نیفتاد، غضب برو مستولی شده سر گرگ را بکند و دور انداخت، پس به روباه گفت: قاتلک الله تو قسمت نمای. روباه گفت: گرگ چه جاهل بوده و علم فرایض و قسمت نیکو ندانست. روباه گفت: یا ابا الحارث! این قسمت ظاهرتر است از آن که بیان کنم. بدان که خر چاشت تو باشد و آهو را وقت مغرب تناول کنی و خرگوش را میان مغرب و عشا بخورید. شیر گفت: بارک الله چه نیکو عالم بوده ای به علم قضای این قسمت از که آموختی؟ گفت: از سر گرگ که از بدنش جدا افتاده است.» (الف ۱۰۱) صورت منظوم این حکایت در مثنوی مولانا آمده است. (مثنوی معنوی، دفتر اول: صص ۱۳۵-۱۴۰)

سوم؛ «خطیب بغدادی به اسناد خود از داود بن ابی هندی نقل کند که مردی قبره صید کرد گفت مرا چه خواهی کرد؟ آن مرد گفت تو را ذبح کنم. گفت اولاً آنکه فربه نیستم، دیگر آنکه حرارت جوع تو به سبب اکل من منتفی نمیشود، اگر مرا رها کنی تو را سه کلمه تعلیم نمایم که بهتر از یک لقمه گوشت من باشد. پرسید کدام است؟ گفت کلمه اول وقتی گویم که بر دست تو باشم، دوم را درحینی که بر سر درخت نشینم، کلمه سیم را زمانی که بر کوه باشم. پس گفت: بر مافات تأسف مکش. پس او را رها کرد چون بر درخت نشست گفت: آنچه نباشد و وجود نیابد قبول مکن. چون بر کوه نشست گفت ای شقی اگر مرا ذبح میکردی در حوصله من دزی میافتی که به وزن بیست مثقال بود. آن شخص پشت دست به دندان گزید و تأسف خورد. گفت: کلمه سیم بگو. گفت: نگفتم که بر مافات تأسف مکش و تو تأسف کشیدی و گفتم که تصدیق مکن به آنچه نباشد تو تصدیق کردی؛ چه هرگاه همه اعضا و پر و بال مرا جمع کنی بیست مثقال نمیشود چون در حوصله من دزی بدین وزن یافت شود؟» این حکایت نیز در مثنوی مولانی به اختصار ذکر شده است: (همان، دفتر چهارم: صص ۶۴۸-۶۴۹)

۵- القاب اغراق آمیز ممدوح

نویسنده در آغاز کتاب به شیوه دبیران و درباریان عصر صفویه ممدوح خود را با اغراق فراوانی وصف نموده است: «پادشاه دین پناه، انجم سپاه گردون اشتباه، فریدون فر سکندر ظفر، دارای دادگستر، فرمان فرمای شرع پرور، خاقان گیتی ستان صاحبقران، مفخر ملوک الزمان، باسط بساط امن و امان، ماحی اساس الجور و الطغیان، ناصر رایات العدل و الاحسان، سلطان سلاطین الافاق، ملجاء ملوک العالم بالارث والاستحقاق، مولی ملوک العرب و العجم، حامی الفرقة الناجیه من بین الامم، ناظم الشریعه الشریفه المنوره المصطفویه، سالک مسالک الطریقه المرضیه المرتضویه» (ب) «در مجلس

بهجت‌آیین نَوَاب عالی حضرت ارسطوفطرتِ افلاطون فکرتِ قمرطلعتِ عطار دظننتِ ناهید بهجتِ خورشید منزلتِ بهرام صولتِ مشتری سعادتِ کیوان رفعت» (الف ۲)

۳- ویژگی‌های زبانی

ملک الشعرای بهار دربارهٔ ویژگی‌های زبانی متون عصر صفوی مینویسد: «به خلاف نثر قبل از مغول که هم صورتا عالی و هم معنا والا و هم از حیث آهنگ کلمات دارای یک نوع فخامت و جزالت خاصی بوده است اما نثر صفویه مثل این است که بچگانه باشد و الفاظ از حلیت و کسوتی که داشته عربیان شده‌اند. افعال به واسطه حذف باء تاکید در صیغه‌های ماضی و استعمال نشدن پیشوندهایی از قبیل بر، اندر، در، فرا، فرو، باز، وا و همی، یکدست شده است و از میان رفتن افعال انشایی استمراری به صورت قدیم خاصه استعمال کردن ماضیهای نقلی و بعید پی در پی با حذف ضمائر و افعال معین و همچنین آوردن لغات مغولی بدقواره و کثرت مترادفات و از یاد رفتن طرز جمله‌های موجز به شیوهٔ قدیم و ترک شدن برخی کنایات و امثال و بسی نکات که ذکر همه مشکل است نثر این دوره را از مغز و مزه انداخته است. (سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۲۵۵)

۱- آوردن معادل فارسی و ترکی مدخلها:

«الاسد: به فارسی شیر و به ترکی اصلان نامند.» (الف ۸) «حیه: مار و ترکان ایلان گویند.» (الف ۴۱) «أرضه: جانور کوچکی است که چوب می‌خورد و به ترکی آغاج‌قوردی نامند.» (الف ۲۱)

۲- آوردن صورت تلفظ مدخلها

«تُعَاله: بر وزن نخاله و زباله و فصاله که سه برادر بودند، اسم روباه بود.» (الف ۵۰) «نسناس: بعضی به فتح نون خوانند اما اصح به کسر است. به دو نون و دو سین مهمله، خلقیست در صورت ناس، مشتق از او از جهت ضعف خلقت او.» (الف ۳۰۰)

۳- آوردن افعال در وجه وصفی

«هرکه پیه پیشانی او را به روغن گل مخلوط ساخته بر روی مالده...» (الف ۲۴) «اگر در خواب ببند که شیر سوار شده و نمیترسد» (الف ۱۳)

۴- بکارگیری جمعهای مکسر

افنده (الف ۱) افارق (الف ۱۲) نقول (الف ۶۸) - اصابع (الف ۱۸۰) امزجه (الف ۳۰۸)

۵- وفور لغات عربی:

اعنی (الف ۲) کللال (الف ۱۸) لهذا (الف ۲۸) محموم (الف ۷۰) اکتحال (الف ۸۳) معاودت (الف ۱۰۶) اجود (الف ۱۱۴) ارطب (الف ۱۲۱)

۶- ترکیبات وصفی عربی

قصیرالیدین (الف ۸) شدید الباس (الف ۱۱) کثیر النفع (الف ۵۵) عسرالبول (الف ۵۹)

۷- بکارگیری عبارات ترکی

«در لغت اختری آورده ایاعی و بورنی قزل قوشدر دکه صوتندن اوه اوه آوازی کلور» (۱۹ الف) «در لغت اختری آورده که پیرقوشدر که آغاجلرده اولور انواع نغماتيله اوقر کاه دوه کی کو کرر و گاه آت کبی کشر آدم نوعيله مونس اولور.» (۱۰۸ ب)

۸- آوردن جملات ساده و کوتاه

«آواز او(ابن آوی) مثل آواز کودکان بود.» (۱۶ الف) « ابل است که او را کشتی روی زمین گویند، تا ده روز بر تشنگی صبر کند و هر گیاه که در صحرا و بیابان باشد چرا کند.» (۲۱ ب)

۹- تکرار فراوان حرف «واو»

« باز و به ترکی قارچغای نامند. لغت فصیح او به تخفیف «یا» و بعضی بی «یا» و بعضی با «یا» مشدد نیز گفته اند و اشتقاق آواز او از بزدان است. و او در تکبر اشد و اضیق طیور جوارح است ولهدا مختلف الاشکال بود.» (۴۳ ب)

نتیجه گیری

بر پایه آنچه آمد میتوان به نتایج زیر دست یافت:

الف- اگرچه خواص الحيوان ترجمه ای از کتاب حیات الحيوان دمیری است، اما محمدتقی تبریزی با افزودن شماری از اشعار و ضرب المثلهای فارسی و عربی و نیز برخی روایتها، اعتقادات عامیانه و مضامین اساطیری کتاب خود را از ترجمه به هیات تالیف درآورده است.

ب- وجود برخی مضامین اساطیری، باورهای خرافی، گزارش خوابها، ذکر اوراد و ادعیه در متن کتاب خواص الحيوان، سبب گردیده این کتاب یکی از منابع مهم در پژوهشهای ادبیات عامیانه و فولکلورشناسی به شمارآید، هر چند تاکنون از آن غفلت شده است.

منابع

۱. بندهش، فرنبغ دادگی. (۱۳۸۰). گزارنده مهرداد بهار، تهران: توس.
۲. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. جانورشناسی، قلندری، حنیف، (۱۳۸۳)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد هفدهم، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۴. حیات الحيوان، دمیری، ابوالبقاء کمال الدین محمد بن موسی (۱۲۸۴ ق)، قاهره.
۵. خواص الحيوان، تبریزی، محمدتقی، (بی تا)، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۰۷.
۶. سبک شناسی، بهار، محمدتقی. (۱۳۷۳). سه جلد، تهران: امیرکبیر.
۷. سبک شناسی، فتوحی، محمود. (۱۳۹۲). تهران: سخن.
۸. شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). تصحیح مصطفی جیحونی، اصفهان: شاهنامه پژوهی.

۹. عجایب‌المخلوقات، محمد بن محمود بن احمد طوسی، (۱۳۴۵). به اهتمام دکتر منوچهر ستوده، تهران:
۱۰. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، منزوی، احمد. (۱۳۶۲). جلد چهارم، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۱۱. فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، اعتصامی، یوسف. (۱۳۵۶). ج ۲، تهران: کتابخانه مجلس.
۱۲. کشف‌الطنون، حاجی خلیفه، (۱۸۳۷). به کوشش گوستاو فلوگل، لایپزیگ.
۱۳. مثنوی معنوی، محمد بلخی، جلال‌الدین. (۱۳۹۰). تصحیح رینولد. ا. نیکلسون، تهران: هرمس.